

از وثوق الدوله تا احمدی نژاد

جنبش سندیکائی ایران

بزودی 100 ساله شود

مهدی کیهان

مهدی کیهان از قربانیان قتل عام سال 1367 است. او را در شویفاژخانه زندان اوین به دار کشیدند. او متخصص امور کارگری ایران و جهان و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بود. آنچه را می خوانید مقاله تحقیقی ارزنده او در باره جنبش کارگری- سندیکائی ایران است که در سال 59 در مجله دنیا، در ایران منتشر شد. با اندک اصلاحی در برخی تاریخ ها، این مقاله را ویرایش کرده و بعنوان یک سند ماندگار برای جنبش کارگری ایران منتشر می کنیم. منتشر می کنیم تا نسل جدید کارگری ایران بداند، جنبش کارگری- سندیکائی ایران چه تاریخی دارد، پیشکسوتان آن چه کسانی بودند، چرا قدرت طبقه کارگر در متشکل بودن آنست و دفاع صنفی چه پیوندی با منافع طبقاتی دارد و حکومت های خودکامه ای که سرانجام سر از دامن بیگانه در آوردند با چه انگیزه ها و به چه بهانه ها با این جنبش سر ستیز داشته و نخستین گام های خیانت ملی را با آغاز مقابله با تشکل های کارگری برداشتند. باید دانسته شود که از زمان وثوق الدوله (درسلطنت قاجاریه) نبرد برای تشکل و احقاق حق و حقوق کارگری در ایران ادامه داشته است. دانسته شود که چگونه کارگران ایران تعطیل اول ماه مه را به وثوق الدوله تحمیل کردند و چرا جمهوری اسلامی این تعطیل را که دستاورد یک مبارزه ریشه دار کارگری در ایران است لغو کرد و با سندیکاها سر آستی ندارد.

این مقاله تحقیقی را در چند بخش می خوانید که این بخش نخست آنست:

از عمر جنبش سندیکائی در ایران بیش از 90 سال می گذرد و این جنبش می رود که یکصد ساله شود. سال های طولانی تاریخ جنبش سندیکائی ایران را می توان به دوره های مشخص زیر تقسیم نمود:

سال های اولیه رشد جنبش سندیکائی در ایران، شامل انقلاب مشروطیت (1290 - 1284 شمسی)؛

دوران رشد گسترده جنبش سندیکائی در ایران شامل، سال های پس از پیروزی انقلاب اکتبر و جنبش های انقلابی داخلی (سال های قبل و بعد از 1300 شمسی)؛

سال های سرکوب جنبش سندیکایی در دوران رضا خان (1320- 1304)؛

دوران شکوفائی جنبش سندیکایی در ایران، پس از سوم شهریور تا پایان ملی شدن نفت، که خود شامل دو مرحله اساسی است سال های - (1326- 1320 و 1332- 1328)؛

سال های طولانی ترور پلیسی محمدرضا شاهی علیه جنبش سندیکایی در ایران (1357- 1332)،

و بالاخره دوران کنونی، یعنی پس از سرنگونی نظام سلطنتی در ایران.

هر یک از این ادوار در جنبش سندیکایی کشورما دارای مشخصه ها و قانونمندی های خاص خود است، اما نقطه مشترک در همه آن ها رشد بیش از پیش جنبش سندیکایی و اتحادیه ای در ایران است. علی رغم تلاش حکومت ها محو جنبش سندیکایی، نه فقط این جنبش از بین نرفت، بلکه هربار از زیر فشارهای طاقت فرسا و ضربات کمرشکن ارتجاع قوی تر و با عزمی راسخ تر از مرحله قبلی سر برافراشت. جنبش سندیکایی و اتحادیه ای زحمتکشان ایران از همان آغازپیدایش خود راه گسترش و تکامل پیمود. و هربار با کمیت و کیفیت

بهتری از زیر بار سنگین شکنجه ها، تعقیب ها، ترورها قلعلم کرده است. این قانونمندی عام جنبش سندیکایی و اتحادیه ای کارگران و زحمتکشان ایران است، که مسلماً تاثیر آن همچنان باقیست و باقی خواهد ماند.

سال های اولیه رشد جنبش سندیکایی در ایران (دوران انقلاب مشروطه)

جنبش سندیکایی و اتحادیه ای ایران در دوران انقلاب مشروطه مراحل اولیه رشد خود را تحت تاثیر آگاهی قشر قابل ملاحظه ای از کارگران ایران، که از اواخر قرن گذشته برای کار به روسیه می رفتند و پس از آشنایی با افکار سوسیال دموکراسی در شهرهای باکو و عشق آباد به وطن باز می گشتند، هم چنین تحت تاثیر جو انقلابی در خود ایران و انقلاب 1905-1907 روسیه با گام های استوار آغاز کرد. اولین اتحادیه کارگری در چاپخانه "کوچکی" در تهران، در سال 1284 تاسیس گشت و نخستین اتحادیه کارگران چاپخانه ها نیز در تهران در سال 1290 پا به عرصه وجود گذاشت. هم زمان با اتحادیه کارگران چاپخانه ها، اتحادیه های همانندی در دیگر کارخانه ها به وجود آمد، که منحصر به تهران، مرکز کشور نبود و کارگران مشهد، تبریز، بندرانزلی و نقاط دیگر را نیز در برمی گرفت. شعارهای 8 ساعت کار، زمین برای دهقان و جمهوری، در انقلاب مشروطه ایران به وسیله همین پیشگامان جنبش سندیکایی مطرح گردید، که خود آنان در مراحل مهم انقلاب در تبریز، رشت، تهران و مشهد شرکت فعال و موثر داشتند.

با سرکوب انقلاب مشروطه، جنبش سندیکایی و اتحادیه های کارگران ایران نیز مورد هجوم رژیم استبدادی، بویژه یورش محافل امپریالیستی مسلط بر دربار قاجار، قرارگرفت. هدف آن بود که از نفوذ افکار سوسیال دموکراسی و آگاهی کارگران به منافع صنفی و طبقاتی خود از همان آغاز کار جلوگیری شود. در نیل به این هدف، ارتجاع سلطنتی قاجار و امپریالیست های روس و انگلیس در دوران پس از انقلاب مشروطه تا سال های قبل از پیروزی انقلاب اکتبر از هیچ جنایتی علیه کارگران پیشرو در ایران خود داری نکردند. افول جنبش سندیکایی در سال های پس از انقلاب مشروطه، نتیجه یورش مشترک ارتجاع و استعمار به منافع مردم ایران و قبل از همه منافق طبقات زحمتکش بود، که از همان ابتدا خود را به عنوان مدافع سرسخت استقلال، آزادی و دموکراسی و مبارزین پیگیر علیه تسلط استعمار و امپریالیسم به دشمنان داخلی و خارجی معرفی کرده بودند.

دوران رشد گسترده

هنگامی که ارتجاع داخلی و استعمار خارجی جنبش سندیکایی ایران را دفن شده پنداشتند، با پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه شوروی، کشور همجوار ایران و آغاز جنبش های ضد امپریالیستی و انقلابی در سراسر کشور، به ویژه در شمال، نهضت سندیکایی و اتحادیه ای در ایران با نیروی بیشتری سر برافراشت. برپایه رشد نیروهای مولد و افزایش تعداد کارگران در ایران و بر زمینه جو انقلابی در جهان که محصول پیروزی انقلاب سوسیالیستی در شوروی بود، جنبش سندیکایی و کارگری ایران در سال های پس از پیروزی اکتبر و بسط جنبش های انقلابی در داخل کشور گسترش قابل ملاحظه ای پیدا کرد.

در سال 1299 شمسی تعداد اتحادیه های کارگری در تهران به 15 رسید، و در همان سال شورای اتحادیه های تهران پا به عرصه وجود گذاشت. پس از یک سال، در آبان 1300،

"شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای" کارگران ایجاد گردید، که هدف آن رهبری جنبش سندیکائی و اتحادیه ای در سطح کشور بود. طی 3 سال، بیش از 30 هزار نفر از کارگران و کارمندان در سندیکاها و اتحادیه های کارگری زیر پرچم شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای گرد آمدند و متشکل ترین قدرت صنفی کارگران ایران را وثیقه دفاع از حقوق خود و شرکت فعال در حیات سیاسی کشور قرار دادند.

تحت تاثیر همین جنبش بود، که در فاصله سال های 1300 تا 1304 متجاوز از چندین اعتصاب بزرگ، از جمله اعتصاب 14 روزه کارگران چاپخانه ها و اولین اعتصاب کارگران نفت در آبادان انجام گرفت. دولت وثوق الدوله به پذیرش روز کار 8 ساعته و به رسمیت شناختن آزادی فعالیت سندیکاها ناگزیر گردید و برای نخستین بار در ایران جشن کارگری اول ماه مه به آزادی برگزار شد. جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان ایران در این دوره از فعالیت خود به ترفیق خواست های اقتصادی و رفاهی کارگران با خواست های سیاسی دفاع از آزادی های دموکراتیک، طرد تسلط استعمار و امپریالیسم از ایران نائل گردید. از موفقیت های دیگر این دوران جنبش سندیکایی در کشور ما آنست که به پیوند انترناسیونالیستی دست یافت و "شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای" ایران به عضویت سازمان بین المللی کارگران- سندیکای جهانی کارگران پذیرفته شد.

جنبش سندیکایی و اتحادیه ای ایران در فاصله سال های پس از پیروزی انقلاب اکتبر و ادامه جنبش های انقلابی در درون کشور، تا روی کار آمدن دیکتاتوری رضاخان، از عوامل عمده تامین آزادی های دموکراتیک، اجرای مفاد قانون اساسی در زمینه رعایت حقوق مردم و تحقق دموکراسی در جامعه ایران بود. بی گمان تقویت آتی جنبش سندیکایی و اتحادیه ای در ایران، تشکل صنفی و طبقاتی طبقه کارگر و زحمتکشان می توانست نقش بسیار مهمتری را در برخورداری جامعه ایران از آزادی و دموکراسی و دفاع از حقوق فردی و اجتماعی، که لازمه ادامه پیشرفت و ترقی بود، ایفا نماید. به ویژه به خاطر جلوگیری از رسیدن به همین هدف ها بود که دول امپریالیستی، به ویژه امپریالیست انگلیس، با استفاده از نفوذ و تسلط خود در ایران، به سرهم بندی کودتای 1299 و روی کار آوردن رضاخان پرداخت و دیکتاتوری طبقات حاکم فنودال- ملاک و بورژوازی تجاری کمپرادور شده را بر مردم ایران و طبقات زحمتکش جامعه مستولی گردانید.

(پایان بخش اول)